

تاریخچه‌ای از فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی مبشران آمریکایی در ایران دوره قاجار

دکتر عمادالدین فیاضی^۱

هادی جوادی^۲

مقدمه

مسیحیت از همان قرن اول میلادی، دینی بشارت‌دهنده بوده است. تمام حواریون مسیح در سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا پراکنده و در نهایت شهید شدند. در چهار قرن اول و تا زمان سقوط امپراتوری روم در غرب، تقریباً تمام اروپا، شمال آفریقا و بخش رومی خاورمیانه، تحت تأثیر مسیحیت بودند. در شرق و امپراتوری ایران نیز کلیسایی مقتدر پا گرفته بود و به ویژه پس از ظهور و ورود اسلام به ایران، به سوی خاور دور، توسعه یافت. کلیسای نستوری ایران تا قرن سیزدهم میلادی، مبشران و معلمان بسیاری به نقاط دور دستی همچون ترکستان و چین اعزام کرد. این در حالی است که بر همگان روشن است که کلیسای نستوری ایران، هرگز از پشتیبانی دولتی خارجی برخوردار نبوده است.

دوره هزار ساله قرون وسطی - از قرن پنجم تا پانزدهم میلادی - کلیسا را اسیر تاریکی و خرافات کرد. مسیحیان به لاک خود فرو رفتند و پشت سنگ‌های متزلزلی که برای خود در اروپا ساخته بودند، مخفی شدند، اما با رنسانس و آغاز اصلاحات پروتستان، کلیسا بیدار شد و بسیاری از ارزش‌های اولیه، از جمله لزوم بشارت دادن را مدنظر قرار داد.

کلیسای کاتولیک که عرصه را بر خود در اروپا تنگ می‌دید، بشارت دادن در شمال آفریقا، آمریکای

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد واحد شهرری، dr.emadfayazi@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ.

تاریخچه‌ای از فعالیت‌های آموزشی و ... / عمادالدین فیاضی - هادی جوادی

جنوبی، هند و چین را سرلوحه برنامه جدید خود برای گسترش حوزه اقتدارش قرار داد؛ اما مدتی نگذشت که پروتستان‌ها در آمریکای شمالی، جزایر اقیانوس آرام، آفریقا و سراسر آسیا به اعزام مبشران بیشتری پرداختند. مهم‌ترین وظیفه مبشران مسیحی همان‌گونه که از نامشان پیداست، بشارت کیش مسیح در خارج از مرزهای بومی‌شان بود. انجمن‌های بشارتی مستقر در کشورهای فرانسه، انگلیس، آلمان، آمریکا و روسیه، مبشران خود را به اکثر نقاط جهان می‌فرستادند تا از مسیحیان آن مناطق حمایت کنند؛ در واقع آن‌ها با این هدف، راهی سرزمین‌های ناشناخته می‌شدند. حضور مبشران کاتولیک و پروتستان در ایران هم، جزئی از همین برهه تاریخ مسیحیت به شمار می‌آید.

گروه‌های تبشیری مسیحی در ایران تا پیش از شکل‌گیری دولت مقتدر و منسجم صفویه، به صورت پراکنده فعالیت می‌کردند. اوضاع نامساعد داخلی ایران در سال‌های پیش از قرن دهم ه. ق، نبود دولت‌های مقتدر مرکزی و نابسامانی‌های ناشی از تهاجم قوم مغول و تیمور به ایران، حضور جدی گروه‌های مبشر را محدود و حتی غیرممکن ساخته بود؛ اما با شکل‌گیری دولت مرکزی و نیرومند صفوی در ایران، به ویژه در دوره شاه‌عباس، اول مبشران انگیزه بیشتری برای حضور در ایران یافتند. ورود دسته‌های مختلف هیئت‌های مذهبی به ایران در دوره صفویه، از زمان شاه طهماسب آغاز شد و سیاست تساهل مذهبی شاه عباس، به ویژه درباره مسیحیان، فضای مناسبی را در اختیار مبشران قرار داد. این هیئت‌ها در ابتدا تنها میان گروه‌های مسیحی ساکن ایران به فعالیت می‌پرداختند، اما به مرور زمان دامنه فعالیت آن‌ها، مسلمانان را نیز فرا گرفت. با تغییر فضای داخلی ایران پس از صفویه، از شدت فعالیت‌های تبشیری کاسته شد، اما دوباره در دوره قاجاریه، با جدیت بیشتر و برنامه‌های گسترده‌ای ادامه یافت.

در دوره قاجاریه، در ایران از رفاه اجتماعی، بهداشت و آموزش خبری نبود. ایران با اروپای پس از رنسانس و انقلاب صنعتی که با سرعت به سوی پیشرفت و توسعه گام بر می‌داشت، فاصله زیادی داشت. در این زمان مسیحیان ایران از لحاظ فرهنگی و مادی در فقر و تنگدستی به سر می‌بردند؛ بنابراین مبشران مسیحی از زمانی که وارد ایران شدند، درصدد بهبود وضع زندگی و آموزشی هم‌کیشان خود برآمدند. آن‌ها می‌کوشیدند تا علاوه بر تبشیر ایمان خود، به فعالیت‌های فرهنگی هم بپردازند.

مبشران مسیحی در این دوره، مدارس را در ایران احداث کردند که در ابتدا بیشتر دانش‌آموزان این مدارس، غیرمسلمان بودند، اما پس از مدتی، کودکان مسلمان نیز به این مدارس مراجعه کردند، زیرا شاگردانی که در این مدارس تحصیل می‌کردند، با فراگیری زبان‌های خارجی، می‌توانستند بعدها در ادارات و سازمان‌های دولتی مسئولیتی به دست آورند؛ از این رو این مدارس در میان مسلمانان نیز گسترش یافت. بسیاری از فارغ‌التحصیلان این مدارس، به عنوان معلم به امر آموزش و تعلیم و تربیت جوانان ایرانی می‌پرداختند. از سوی دیگر، برای اولین بار، مبشران مسیحی به صورت آموزش و تعلیم و تربیت دختران ایرانی پرداختند. دختران ایرانی از طریق همین مدارس، با درس‌هایی آشنا شدند که تا پیش از آن، هیچ اطلاعاتی از آن‌ها نداشتند.

از جمله مبشرانی که فعالیت‌های فرهنگی خود را در این دوره، در ایران آغاز کردند، مبشران آمریکایی

بودند. آن‌ها در شهرهای مختلف ایران، فعالیت‌های فرهنگی گسترده‌ای انجام دادند که در این پژوهش، به معرفی و ارزیابی پاره‌ای از فعالیت‌های فرهنگی آنان در این دوره می‌پردازیم.

فعالیت‌های فرهنگی مبشران آمریکایی در دوره قاجار

نخستین هیئت آمریکایی، در آخرین سال‌های پادشاهی فتحعلی شاه، یعنی در سال ۱۸۳۰ م / ۱۲۴۶ ه.ق به سرپرستی دوایت^۱ و الی اسمیت^۲ به ایران آمد. هدف این گروه، ارزیابی اوضاع ایران و مسیحیان ساکن در کشور بود. آن‌ها از سوی «کمیته آمریکایی هیئت‌های خارجی» عازم شده بودند و طی چند ماه حضور در ایران، از برخی شهرها به ویژه مناطق ارمنی نشینی دیدن کردند. آن‌ها هنگام بازگشت از این مأموریت، یک کشیش آشوری را با خود به آمریکا بردند و گزارش نسبتاً مفصلاً نیز درباره ایران و ارمنستان و به ویژه آشوریان ساکن ارومیه، ارائه دادند.^۴

گزارش سفر این دو نفر، هیئت مرکزی میسیون‌های خارجی را مصمم کرد تا جاستین پرکینز^۵ و همسرش را به ایران اعزام کند. پرکینز سرانجام در سال ۱۸۳۴ م / ۱۲۵۰ ه.ق وارد خاک ایران شد. او ابتدا به تبریز رفت و سفیر بریتانیا در آنجا او را پذیرفت.

سرهنری الیس^۶ سفیر بریتانیا، از پرکینز تقاضا کرد هر گونه که می‌تواند، به مبشران آمریکایی کمک کند، زیرا مبشران آمریکایی در ابتدای فعالیت خود در ایران، تحت حمایت سفارت بریتانیا بودند و ایران در این زمان با دولت آمریکا، دارای روابط سیاسی نبود.^۷

مدتی از ورود پرکینز به ایران نگذشته بود که دو مبشر دیگر به نام دکتر آساهر گرانت^۸ و همسرش جودی کمپبل^۹ به وی ملحق شدند. پرکینز و همسرش پس از آموختن زبان آشوری، در سال ۱۸۳۵ م / ۱۲۵۱ ه.ق به ارومیه رفتند. آن‌ها هنگام ورودشان به شهر، با استقبال آشوری‌ها مواجه گشتند؛ از این رو توانستند در محیطی بسیار دوستانه، کار خود را آغاز کنند.^{۱۰} هنگام ورود پرکینز به ارومیه، این شهر ۱۲۵ هزار

1. H.G. Dwight

2. Elli smith

۳. ناطق، هما، کارنامه فرهنگی در ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی معاصر پژوهان، ۱۳۸۰، ص ۱۷۱.

۴. متولی، عبدالله، «نگاهی به عملکرد مؤسسات تبلیغی آمریکایی در ایران»، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال دوم، شماره ۹، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳.

5. JustinPerkins

6. Sir Henry Ellis

7. SG Wilson 1973, Persian Life and coustoms , Thireded (Newyork : Ams press) P.305.

8. Asahel Grant

9. Judiths. Campbell

۱۰. الدر، جان، تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ترجمه سهیل آذری، تهران: نور جهان، ۱۳۳۳، ص ۴ و ۵.

نفر سکنه داشت. از میان آن‌ها حدود چهل مرد قادر به خواندن و نوشتن بودند و تنها یک زن که خواهر پاتریاک بود، سواد داشت. به همت پرکینز، بسیاری از بی‌سوادها هم باسواد شدند.^۱ پرکینز دو ماه پس از ورودش به ارومیه، در یکی از اتاق‌های خانه خود، آموزشگاهی تأسیس نمود. وی اکثر لوازم و اثاثیه آموزشگاه را با دست خود ساخته بود. در روز هجدهم ژانویه ۱۸۳۶ م / ۱۲۵۲ ه.ق، پرکینز مدرسه خود را افتتاح کرد. در روز دوم، تقریباً هفده دانش‌آموز در مدرسه او ثبت‌نام کردند. این مدرسه کاملاً رایگان بود.

کشیش اوراهام^۲ و یوحنا^۳ نیز در امر آموزش و تهیه مواد درسی به پرکینز کمک می‌کردند،^۴ اما زمانی که مدرسه گشایش یافت، با مشکلاتی روبرو شد؛ از جمله یکی جلب رضایت روحانیون منطقه و حکومت محلی.

هیئت آمریکایی در ابتدا به سراغ مجتهد ارومیه رفتند. از آن جا که مدرسه ویژه مسیحیان بود و مسلمانان حق نام‌نویسی نداشتند، مجتهد روی خوش نشان داد، حتی از مدرسه دیدن کرد و از پیشرفت شاگردان اظهار خرسندی نمود. کامران میرزا و ملک قاسم میرزا هم از مدرسه دیدن کرده، خرسند گشتند و قرار شد دوازده صاحبقران، کمک مالی به دانش‌آموزان بپردازند.^۵ این مدرسه در ابتدا فاقد مداد، کاغذ، کتاب و تخته سیاه بود. دانش‌آموزان برای آموختن حساب در جعبه‌هایی ماسه ریخته، روی آن با انگشت می‌نوشتند. برنامه درسی این مدرسه عبارت بود از: قرائت نوشتن روی ماسه، آموختن حساب به وسیله شرتکه، قرائت کتاب مقدس به زبان آشوری قدیم و انگلیسی برای سالمندان در ساعاتی که دیگران مشغول آموختن حساب بودند. در این آموزشگاه از دانش‌آموزان شهریه گرفته نمی‌شد و حتی مخارج تحصیل و زندگی آن‌ها را آموزشگاه می‌پرداخت.^۶ پرکینز در مدرسه‌اش علاوه بر تدریس مواد علمی، به کودکان آهنگری و قالی‌بافی یاد می‌داد.^۷

در ۲۷ ربیع‌الاول ۱۲۵۵ ه.ق، محمد شاه برای حمایت و تشویق پرکینز، فرمانی صادر کرد که در آن به تعلیم و تربیت و نشر علوم اشاره کرده بود.^۸

مبشران مسیحی در ایران، فعالیت در میان زنان را در رأس کار خود قرار دادند، زیرا معتقد بودند تأثیر زنان در خانواده و تربیت فرزندان، بیش از مردان است. و برای ترقی و پیشرفت یک ملت، نخست باید زنان

۱. صلیبی، ژاسنت، *ایرانیان آشوری و کلدانی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی*، ۱۳۸۲، ص ۸۰.

2. Auraham

3. Yukhannan

4. H.L Murre, Vandenberg, 1999, from a spoken to a written language (Nederlands in sttuut Voor Het Nabije Oosten leiden).P.46.

۵. ناطق، ص ۱۸۰.

۶. رضازاده، ملک، *رحیم تاریخ روابط ایران و ممالک متحده آمریکا، تهران: طهوری*، ۱۳۵۰، ص ۵۴.

۷. عبدالحسین نوائی، ۱۳۶۹، *تاریخ ایران و جهان*، تهران: هما، ج ۲، ۱۳۶۹، ص ۴۴۱.

۸. اقبال، عباس، «داستانی از مبلغین عیسوی در ایران»، یادگار، سال سوم، شماره ۷ و ۶، ۱۳۳۴، ص ۶۱.

و مادران آن مملکت را آموزش و تعلیم داد و آن‌ها را باسواد کرد. بشارت میان زنان راه همسران میشران برعهده گرفتند یا اینکه میشران زن به این منظور به ایران اعزام شدند.^۱ خانم گرانت پس از ورود به ایران، زبان ترکی، خواندن آشوری قدیم و صحبت کردن به زبان آشوری جدید را آموخت. وی در سال ۱۸۳۸ م/ ۱۲۵۴ ه.ق مدرسه دخترانه‌ای را در ارومیه تأسیس کرد که در ابتدا تنها چهار دختر نستوری در آن درس می‌خواندند. وی با امیدواری زیادی این مدرسه را احداث کرده بود، ولی عارضه بیماری، مانع پیشرفت او شد. وی سرانجام در سال ۱۸۳۹ م/ ۱۲۵۵ ه.ق درگذشت. پس از مرگ او، میشرانی که در ارومیه اقامت داشتند، مدت چهارسال مدرسه را اداره کردند تا اینکه خانم فیدلیا فیسک^۲ برای اداره مدرسه خانم گرانتز آمریکا به ایران آمد. خانم فیسک پس از مدتی تصمیم گرفت یک مدرسه شبانه‌روزی احداث کند. از این رو وی در سال (۱۸۴۳ م/ ۱۲۵۹ ه.ق) مدرسه شبانه‌روزی خود را احداث کرد که در آن شش دختر به صورت شبانه‌روزی و ۲۳ دختر روزانه برای درس خواندن می‌آمدند.^۳

علاوه بر مدرسی که توسط میشران آمریکایی در ارومیه تأسیس شد، در اطراف شهر نیز آموزشگاه‌های روستایی تأسیس نمودند؛ به عنوان نمونه در سال ۱۸۳۹ م/ ۱۲۵۵ ه.ق آن‌ها دوازده مدرسه در دوازده روستای مختلف داشتند که در مجموع ۲۷۲ دانش‌آموز پسر و ۲۲ دانش‌آموز دختر در این مدارس تحصیل می‌کردند و در سال ۱۸۴۲ م/ ۱۲۵۸ ه.ق میشران آمریکایی، پانصد دانش‌آموز در بیست مدرسه در روستاهای مختلف داشتند. این دانش‌آموزان را ۴۸ معلم بومی اداره می‌کردند که ۲۲ نفر از آن‌ها کشیش بودند.^۴ تعداد این مدارس در ارومیه و روستاهای اطراف آن در حال افزایش بود، به طوری که در سال ۱۸۹۵ م/ ۱۳۱۲ ه.ق تعداد آن‌ها به ۱۱۷ عدد رسید که در آن ۲۴۱۰ و ده نفر تحصیل می‌کردند.

در این مدارس، ابتدا نستوری‌ها نام‌نویسی می‌کردند، اما به مرور زمان، عده‌ای از ارمنی‌ها نیز در این مدارس مشغول تحصیل شدند؛ از این رو محدوده این مدارس گسترش یافت و در شهرهای سلماس، تبریز و همدان نیز مدرسی احداث شد که اکثر شاگردان آن ارمنی بودند.^۵ دوره تحصیل در این مدارس پنج ساله بود و دانش‌آموزان در آنجا انگلیسی، فارسی، ترکی، حساب و تاریخ و جغرافیا می‌آموختند. بعدها زبان سریانی هم افزوده شد. فارغ‌التحصیلان می‌توانستند با دستمزدی برابر یک لیبره و نیم، مدرسه نوینی با هشت دانش‌آموز برپا کنند.^۶

در سال ۱۸۷۳ م/ ۱۲۹۰ ه.ق هیئت آمریکایی بنا به درخواست ارمنیان مقیم تهران، مدرسه‌ای نزدیک

۱. الدر، ص ۱۲.

2. Fidelia Fisk

۳. رضازاده ملک، رحیم، ص ۵۶ و ۵۷.

4. H.L Murre, Vandenberg , from a spoken to a written language,P.50

5. SG Wilson Persian Life and coustoms ,P.315

۶. ناطق، ص ۱۸۰.

دروازه قزوین احداث کرد. اولین آموزگاری که برای تدریس در این مدرسه استخدام شد، شخصی به نام لازار (Lazar) بود. وی با ده دانش‌آموز، مدرسه را دایر کرد و مدتی نگذشت که شاگردانش بیست نفر شدند. در سال دوم چون مدرسه تصمیم گرفت شاگردان بی‌بضاعت را رایگان نام‌نویسی کند، در نتیجه تعداد دانش‌آموزان به شصت نفر رسید.^۱

در سال ۱۸۷۷ م / ۱۲۹۴ ه. ق. مستر ساموئل وارد^۲ برای تصدی خدمات فرهنگی از آمریکا به تهران اعزام شد. با ورود وی، ساختمان نسبتاً بزرگی در شمال شهر، برای مدرسه ساخته شد. این مدرسه به صورت شبانه‌روزی بود، در ابتدا علاوه بر معلمان آمریکایی، چهار معلم ایرانی نیز استخدام شدند. دورهٔ تحصیل در این مدرسه هفت سال بود. برنامهٔ درسی شامل زبان انگلیسی، زبان فارسی، ارمنی و عبرانی بود. پس از گذشت مدتی، تعداد دانش‌آموزانی که در این مدرسه تحصیل می‌کردند به ۱۳۴ نفر رسید که نیمی از آنان مسلمان بودند.^۳ در سال ۱۸۹۸ م / ۱۳۱۶ ه. ق. دکتر وارد به آمریکا رفت و در همان سال دکتر ساموئل جردن^۴ به ایران آمد و به ریاست مدرسه منصوب شد. در این تاریخ مدرسه هشت کلاس داشت. در سال ۱۹۰۲ م / ۱۳۲۰ ه. ق. دو کلاس دیگر نیز افزوده شد و در سال ۱۹۱۳ م / ۱۳۳۱ ه. ق. دورهٔ دبیرستان به دوازده سال رسید.^۵ این مدرسه به تدریج گسترش پیدا کرد و به نام کالج آمریکایی البرز معروف شد. افرادی که در کالج البرز تحصیل کردند، توانستند بسیاری از مشاغل حساس را احراز کنند.

مدرسهٔ دخترانهٔ هیئت آمریکایی در تهران به سال ۱۸۷۴ م / ۱۲۹۱ ه. ق. با دوازده دانش‌آموز دختر، کار خود را آغاز کرد و پس از یک سال به صورت شبانه‌روزی درآمد. در این مدرسه، همهٔ دانش‌آموزان از لباس، خوراک و تحصیل رایگان برخوردار بودند. در سال ۱۸۸۶ م / ۱۳۰۳ ه. ق. این مدرسه که ایران بتیل^۶ نام داشت، با چهل دانش‌آموز به خیابان قوام‌السلطنه انتقال یافت. این مدرسه دارای دوازده کلاس بود و در سال ۱۸۹۱ م / ۱۳۰۸ ه. ق. نخستین گروه فارغ‌التحصیلان آن معرفی شدند.^۷

ناصرالدین شاه طی بازدید از این مدرسه، مقرر داشت تا سالانه صد تومان به بودجهٔ مدرسه کمک شود. در این زمان عده‌ای از خانواده‌های سرشناس مسلمان، دخترانشان را به این مدرسه فرستادند. در سال ۱۹۰۳ م / ۱۳۲۱ ه. ق. مظفرالدین شاه دستور داد که تمام خانواده‌های مسلمان، دخترانشان را از این مدرسه که «در آنجا دختران پوشیدن دامن و کفش‌های پاشنه بلند را فرا می‌گیرند»، بیرون برند؛ در نتیجه تمام دختران

۱. رضازاده ملک، ص ۶۷ و ۶۸.

2. Mr. Samuel Ward

۳. الدر، ص ۳۶ و ۳۷

4. Dr. Samuel Jordan

۵. شکرالله، ناصر، روش دکتر جردن، تهران، چاپخانه پاکتچی، ۱۳۲۳، ص ۱.

6. Iran Bethil

۷. تکمیل همایون، ناصر، تاریخ اجتماعی فرهنگی تهران، (دارالخلافهٔ ناصری) ج ۲، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۰ و ۱۷۱.

مسلمان، مدرسه را ترک گفتند، ولی ده روز بیشتر طول نکشید که همه آن‌ها دوباره به مدرسه بازگشتند. در سال ۱۹۱۳ م / ۱۳۳۱ ه.ق این مدرسه ۳۴۵ نفر دانش‌آموز داشت که از این میان ۱۵۴ نفر مسلمان بودند.^۱ در سال ۱۸۸۱ م / ۱۲۹۸ ه.ق مسترج. و. هاوکس^۲ طرف هیئت آمریکایی وارد همدان شد و بنا به درخواست یهودیان، مدرسه‌ای برای آن‌ها احداث کرد. اعتبار این مدرسه به قدری افزایش یافت که علاوه بر اقلیت‌های مذهبی، خانواده‌های مسلمان نیز فرزندان خود را برای تحصیل به آنجا می‌فرستادند، به طوری که در اوایل جنگ جهانی اول، بیش از نیمی از دانش‌آموزان این مدرسه، مسلمان بودند.

در سال ۱۸۸۲ م / ۱۲۹۹ ه.ق مدرسه دخترانه‌ای به وسیله دوشیزه مونته‌گمری^۳ در همدان تأسیس شد. پس از گذشت مدتی، بخش شبانه‌روزی این مدرسه در منزل مستر هوهانس گشایش یافت. در سال ۱۸۹۴ م / ۱۳۱۱ ه.ق، برای اولین بار شاگردان دوره اول، تحصیلاتشان را به پایان رسانیدند و تا سال ۱۹۰۷ م / ۱۳۲۵ ه.ق ۲۴ نفر از دختران، موفق به اخذ دیپلم شدند.^۴

در سال ۱۸۷۴ م / ۱۲۹۱ ه.ق هیئت آمریکایی در تبریز، دو مدرسه برای دختران ارمنی احداث کرد. این دو مدرسه را دوشیزه ماری جوت^۵ اداره می‌کرد. پس از گذشت مدتی، این دو مدرسه به هم ملحق شدند و مدرسه جدیدی که دارای بخش شبانه‌روزی هم بود، برای دختران ارمنی و مسلمان به وجود آمد. در سال ۱۸۸۳ م / ۱۳۰۰ ه.ق، کودکستانی نیز به این مدرسه اضافه شد که مدیریت آن بر عهده خانم هولمس^۶ بود. ر همین سال، دانش‌آموزان ۴۲ نفر بودند که از این میان چهار نفر مسلمان بودند.^۷ در سال ۱۹۰۶ م / ۱۳۲۴ ه.ق کلاس مخصوصی برای تدریس زبان فارسی گشایش یافت. به مرور زمان، مدیرهای بعدی این آموزشگاه، درس‌های گوناگونی چون موسیقی، بهداشت اطفال و تربیت بدنی را به مواد درسی آن اضافه کردند^۸

در سال ۱۸۸۰ م / ۱۲۹۷ ه.ق مستر س. ک. ویلسون^۹ مدرسه خود را با ۳۵ دانش‌آموز در تبریز افتتاح کرد، ولی مخالفت مردم و روحانیون ارمنی، باعث کندهی کار او شد. امکانات این مدرسه بسیار محدود بود، ولی چند سال بعد با کمک‌های مالی از مرکز میسیون، محل جدیدی خریداری شد و مدرسه به آنجا انتقال یافت.

۱. الدر، ص ۳۷ و ۴۱.

2. Mr. J. W. Hawkes

3. Miss. Montgomery

۴. رضازاده ملک، ص ۷۶ و ۷۷.

5. Miss. Mary Jewett

6. Holmes

۷. الدر، ص ۵۲ و ۵۳.

۸. همراز، ویدا، «مسیونرها و نخستین گام‌های نفوذ آمریکا در ایران»، فصلنامه تاریخ معاصر در ایران، ۱۳۷۵، شماره ۱۰ ص ۲۹.

9. Mr. S. K. Wilson

در سال ۱۸۹۱ م / ۱۳۰۸ ه.ق این مدرسه به نام آموزشگاه مموریال^۱ تغییر نام یافت. به مرور زمان، والدین مسلمان به برتری مدرسه آمریکایی پی بردند و فرزندانشان را به آنجا فرستادند. پس از انقلاب مشروطه و سال‌های بعد از آن، مدرسه اهمیت بیشتری یافت و دارای دوازده کلاس شد. زبان رسمی مدرسه، انگلیسی بود. به مرور زمان درس‌های زبان فارسی و روسی نیز در برنامه درسی آن گنجانده شد. در سال ۱۹۱۰ م / ۱۳۲۸ ه.ق دانش‌آموزان این مدرسه به ۳۱۳ نفر رسیدند که نزدیک نیمی از آنان را کودکان مسلمان تشکیل می‌دادند. در سال (۱۹۱۲ م / ۱۳۳۰ ه.ق) یکی از کلاس‌های مدرسه برای اولین بار، به دریافت دیپلم کامل متوسطه نایل شد.^۲

در رشت نیز مبشران آمریکایی آموزشگاهی احداث کردند، اما پس از گذشت مدتی تعطیل شد تا اینکه در سال ۱۹۰۳ م / ۱۳۲۱ ه.ق دوباره افتتاح شد. در چند سال اول، بابت تحصیل، شهریه دریافت نمی‌شد، اما سه سال بعد، از دانش‌آموزان شهریه دریافت کردند. در این زمان تعداد دانش‌آموزان به ۹۱ نفر رسید که از این میان تعداد زیادی مسلمان بودند. در سال ۱۹۱۲ م / ۱۳۳۰ ه.ق اولین گروه از دانش‌آموزان موفق به اخذ گواهینامه نه ساله شدند و در سمت آموزگاری، در مدرسه باقی ماندند.^۳

مبشران آمریکایی در سال ۱۸۹۴ م / ۱۳۱۱ ه.ق، مدرسه‌ای را در کرمانشاه احداث کردند که در سال ۱۸۹۶ م / ۱۳۱۳ ه.ق تعداد دانش‌آموزان آن به بیست نفر رسید.^۴

مدرسه آمریکایی ملایر در سال ۱۹۱۶ م / ۱۳۳۴ ه.ق توسط مبشران آمریکایی احداث شد. مسترزیگلر^۵ و همسرش، آموزگاران این مدرسه بودند و در آشنا کردن مردم ملایر با علوم جدید، نقش بسزایی داشتند.^۶ فعالیت‌های فرهنگی مبشران آمریکایی در ایران، تنها به احداث مدارس محدود نمی‌شد؛ آن‌ها به اقدامات فرهنگی دیگری نیز مشغول شدند. زمانی که آن‌ها فعالیت خود را در ارومیه آغاز کردند، یکی از بزرگ‌ترین موانعی که سد راه فعالیت آنان محسوب می‌شد، مسئله بی‌سوادی مردم و فقدان کتب و مطبوعات در زبان آشوری بود، زیرا همه کتابی‌هایی که در آن زمان در دست آشوری‌ها قرار داشت، به زبان قدیم آن‌ها نوشته شده بود و مردم عادی از درک معانی آن عاجز بودند؛ بنابراین یکی از کارهای مهمی که پرکینز انجام داد، اختراع خط جدید برای زبان آشوری و ترجمه کتب انگلیسی به زبان آشوری بود. وی در مدت ۳۶ اقامتش در ارومیه بیشتر وقت خود را صرف خدمات ادبی و مطبوعاتی کرد. او برای اینکه از شدت بحران فقدان مطبوعات در زبان آشوری بکاهد، آیه‌هایی از کتاب مقدس را به زبان آشوری ترجمه می‌کرد و آنها را در

1. Memorial

۲. قاسمی پویا، اقبال، مدارس جدید در دوره قاجاریه، تهران: مرکز دانشگاهی، ۱۳۷۷، ص ۵۲۱.
۳. رضازاده ملک، ص ۸۱ و ۸۲.
۴. الدر، ص ۷۰ و ۷۱.
۵. همان، ص ۷۶.

6. Zigler

۷. قاسمی پویا، ص ۵۴۳ و ۵۴۴.

اختیار مردم می‌گذاشت ولی چون این کار او نیز نیاز مطبوعاتی آشوریان را برطرف نکرد، از هیئت مرکزی میسیون در آمریکا، برای احداث چاپخانه‌ای تقاضای کمک کرد،^۱ در سال ۱۸۴۰ م / ۱۲۵۶ ه.ق یک نفر متخصص چاپ به نام ادوارد بریت^۲ به هیئت آمریکایی در ارومیه ملحق شد و توانست تا قبل از پایان سال، قسمت‌هایی از سرود روحانی را به زبان قدیم آشوری چاپ کند. آمستر بریت در آغاز برای چاپ کتاب‌های آشوری از حروفی استفاده می‌کرد که از انگلستان آورده بود، اما مدتی نگذشت که خودش دو نوع حروف ساخت که در چاپخانه از آن‌ها استفاده می‌کرد. گزارش‌ها حاکی از این است که در فاصله سال‌های ۱۸۹۲-۱۸۸۳ م / ۱۳۰۰-۱۳۰۹ ه.ق جمعاً ۷۷۳۶۴۲۸ صفحه کتاب در این چاپخانه به چاپ رسیده است.^۴ دو تن از نخستین همکاران پرکنیز به نام‌های آلبرت لوئیس هالیدی و دیوید تاپن استوارد، اولین دست‌نویسان سریانی جدید بودند که فرد نخست با کتاب املا^۵ برای مبتدیان و فرد دوم با کتاب گرامر خود به زبان انگلیسی شناخته شده بود.^۶

در سال (۱۸۴۹ م / ۱۲۶۵ ه.ق) هیئت آمریکایی، روزنامه «زهیرادی باهرا» (شعاع روشنایی) را به زبان آشوری منتشر کرد. این مجله تا پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸ م / ۱۳۳۶ ه.ق چاپ می‌شد.^۷ روزنامه یاد شده از نظر سال انتشار، دومین روزنامه، ولی از نظر چاپ شدنش با حروف سریبی، نخستین روزنامه ایران و آشوری‌های جهان محسوب می‌شود.^۸

هیئت پرسبیتترین‌های آمریکایی در سال ۱۹۲۰ م / ۱۳۳۸ ه.ق به مدیریت خانم بویس،^۹ مجله‌ای ویژه بانوان به نام «عالم نسوان»، منتشر کرد. مجله مزبور هر بار با تعداد ۱۲۰۰ نسخه چاپ می‌شد و به هشتاد شهر در ایران ارسال می‌گردید. این مجله مدت سیزده سال چاپ شد و در این مدت شماره‌های آن به ۸۲ رسید. بدون شک این مجله در بیداری افکار و اذهان بانوان ایرانی، بی‌تأثیر نبوده است.^{۱۰}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی و پژوهشی علوم انسانی

۱. الدر جان ، تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ص ۹۱۰.
2. Edward Breath
3. H.L Murre, Vandenberg , from a spoken to a written language,P.50
۴. رضازاده، ملک، ص ۵۳.
5. Huggay a the speller
۶. صلیبی، ژاست، ایرانیان آشوری و کلدانی، ص ۸۰.
7. H.L Murre, Vandenberg , from a spoken to a written language,P.100
۸. صلیبی، ص ۸۵.
9. (Boyce)
۱۰. دهقانی تفتی، ح. ب. مسیح و مسیحیت نزد ایرانیان.

نتیجه‌گیری

در دوره قاجاریه، اکثریت مردم ایران بی‌سواد بودند. افراد با سواد نیز - جز کسانی که با علوم جدید سروکار داشتند و با فرهنگ غرب آشنا بودند- در حد خواندن و نوشتن و حساب کردن معلومات داشتند و از همان زمانی که وارد مکتب خانه‌ها می‌شدند، به فرا گرفتن قرآن و شرعیات می‌پرداختند؛ در نتیجه هیچ نوعی ایزاری برای شکوفایی و رشد فکری عموم مردم وجود نداشت. اما از زمانی که مبشران مسیحی فعالیت‌های فرهنگی خود را در ایران آغاز کردند، بر تعداد افراد تحصیل کرده در شهرها و حتی روستاها افزوده شد.

البته دانش‌آموزان در مدارس مسیحی در ایران احداث کردند، با فرهنگ و تمدن و مذهب غرب آشنا می‌شدند و گفته می‌شد این مدارس ماهیت استعماری دارند، اما باید توجه داشت که وقتی سلاطین قاجار، هیچ گونه توجهی به احداث و گسترش مدارس و آموزش نداشتند. این مبشران مسیحی بودند که به تأسیس مدارس به شیوه نوین اقدام کردند. مدارس را که مبشران مسیحی در دوره قاجار احداث کردند، از نظر شیوه‌های جدید آموزشی، الگویی برای احداث مدارس نوین ایرانی در سال‌های بعد محسوب شد و از نظر سبک معماری نیز مدارس جدید ایرانی از این مدارس الگوبرداری کردند. بهترین نمونه مدرسه مبشران مسیحی و شاخص تحولات مدارس جدید در ایران را باید کالج البرز دانست. این مدرسه آشکارا، نمایانگر دگرگونی معماری مدارس جدید و کلید مطمئنی برای فهم تغییر شکل مدرسه‌های ایران است. امتیاز عمده مدارس مبشران مسیحی، در برنامه درسی آن‌ها بود، زیرا دانش‌آموختگان این مدارس، از طریق همین آموزشگاه با زبان‌های گوناگون آشنا شدند. در واقع آموزش این زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و روسی در مدارس مبشران مسیحی، باعث شد تا نسل جدیدی در دوره قاجار، با شیوه‌های آموزشی نو، آشنا شوند. مبشران توانستند از راه ایجاد مدارس و چاپ روزنامه و کتاب، در افکار عمومی جامعه تأثیر بگذارند؛ از این رو باید اذعان کرد که این نهادهای آموزشی، سبب رشد فکری جوانان، آشنایی آنان با علوم و فنون و فرهنگ جدید، تحولات جدید دینی و تفکر در وضع موجود جامعه ایرانی شدند.